



نقش خراسادشکوفاندر معماری ایرانی اسلامی

همبستگی معماری ایرانی و اندیشه اسلامی در مجموعه تربت شیخ جام

بتول دادخواه، زهرا کاشف رونجی

عضو هیأت علمی گروه طراحی لباس، موسسه آموزش عالی وحدت، تربت جام، ایران.

Fashionteamdadkhah1392@gmail.com

دانشجوی کارشناسی طراحی لباس

چکیده:

یکی از جلوه‌های بارز معماری اسلامی بناهای آرامگاهی می‌باشد. هرچند آرامگاه در جامعه اولیه اسلامی در روند شکل‌گیری و توسعه معماری بناهای مذهبی و غیرمذهبی اعراب پیش از اسلام نقش و جایگاه مهمی نداشت. بعد از ظهور اسلام نقش آرامگاهها از همراهی با بناهای وابسته به آن‌ها، منزلی والا پیدا کرد. این امر دلالت بر نقش آنها فارغ از مکانی برای تدفین یا یادبود متوفی بود.

آن چه اهمیت بررسی معماری بناهای آرامگاهی در ایران را یادآور می‌شود، جدا از ساختار معماری بنا یا بناهای وابسته و یا حتی جزئیات آنها، وجود نوعی تفکر و جهان‌بینی خاص ناشی از اندیشه اسلامی است که اهمیت ویژه‌ای دارد. در معماری اسلامی بعد از توسعه مساجد یا مدارس، آرامگاهها نقش موثری در ارائه و بروز تفکر اسلامی و اعتقادات مسلمانان داشتند.

بناهای آرامگاهی جدا از مکانی برای دفن به نسبت جایگاه و منزلت شخص متوفی به محلی برای زیارت، مأمنی برای تسکین آلام و دردها و یا کانون عارفان و صوفیان بدل شد. این پژوهش به این سوال پاسخ می‌دهد که: آیا تفکر و اعتقادات خاص اسلامی در شکل‌گیری ساختار معماری تربت شیخ جام در طی دوره‌های مختلف تاریخی موثر بوده است؟

با طرح این پرسش ضمن بررسی موقعیت منطقه و جایگاه عرفانی شیخ جام به نحوه شکل‌گیری و ساخت بناهای آرامگاه و روند گسترش آن در سایه تعالیم و آموزه‌های قرآنی و شیوه‌های خاص اعتقادی دین مبین اسلام در طی دوره‌های مختلف می‌پردازد. این پژوهش به روش کیفی (توصیفی-کتابخانه‌ای) بوده و با تحلیل داده‌های موجود در منابع مختلف به بحث و استنتاج می‌پردازد.

کلمات کلیدی: شیخ احمد جام، آرامگاه، معماری اسلامی

مقدمه:

ظهور اسلام در آغازین سال‌های قرن هفتم میلادی بنیان بسیاری از کشورها از جمله کشور کهن و متمدن ایران را دگرگون ساخت و هنرهای اسلامی که ترکیبی از هنر کشورهای مغلوبه چون ساسانیان و بیزانس با فرهنگ اسلامی بود، شکل گرفت.

در دوره امویان در زمینه احداث بناهای مذهبی و غیرمذهبی فعالیت قابل توجهی صورت گرفت. بناهای باشکوهی چون قبه الصخره، مسجد جامع دمشق، قصرالعمره و کاخ المشتی از شاهکارهای معماری اوایل اسلام است که قدرت معماری اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

در سال ۱۳۳ هجری قمری یک شیوه هنری کاملاً ایرانی به وجود آمد که با الهام از عناصر دوره ساسانی شکل تازه‌ای به خود گرفت. با ظهور سلسله‌های مستقل و ملی در ایران همچون طاهریان، صفاریان و ساسانیان در آفرینش هنرهای مختلف، سنت‌های هنری گذشته ایران تجدید و احیا شد.

با روی کار آمدن سلجوقیان و دوام آن‌ها تا ۱۵۰ سال یکی از درخشان‌ترین دوره‌های ابداع و توسعه صنایع و هنرهای مختلف اسلامی نیز ظهور کرد و هنر و معماری در این دوره با الهام از عصر پیش از اسلام به شکوفایی رسید. هرچند در اوایل قرن هفتم با هجوم مغولان بسیاری از کشورهای اسلامی به ویرانی کشید اما پذیرش دین اسلام و فرهنگ و سنن ملل مغلوب، ایشان به حامیان هنر و هنرمندان اسلامی بدل شدند.

در دوران حکومت ایلخانان در ایران بناهای مذهبی و غیرمذهبی متعددی در شهرهای مختلف ایران بنا شد. در اواسط قرن هشتم هجری، حمله تیمور بار دیگر شهرها و مراکز اسلامی را به ویرانی کشاند اما بعد از این دوره کوتاه، دوباره شهرها آباد و بناهای مذهبی و غیرمذهبی زینت بخش شهرهای اسلامی شد. در دوران صفوی هنرهای مختلف به ویژه معماری، شکوه و زیبایی خاصی پیدا کرد که این بناها هنوز با گذشت قرن‌ها پایدار و باقی است.

ولایت جام یکی از مناطق بسیار قدیمی و نامدار خراسان بزرگ در قبل و بعد از اسلام است. عرفایی چون شیخ ابوذر بوزجانی و ریاضی‌دانهایی مانند ابی‌عمر و مغزلی و سیاستمدارانی چون سالار بوژگان را در دامن خود پروراند است و نیز عارفانی چون شیخ الاسلام احمد جام و مولانا عبدالرحمن جامی و معاریفی که وجود هر یک نشان از فرهنگ غنی منطقه بوده است. در میان جمیع مردانی که در تاریخ ایران نامی دارند شاید کمتر کسی را نظیر شیخ احمد جام بتوان یافت که از او خاندانی به وسعت و پایداری خاندان این صوفی بلند آوازه بر جای مانده باشد.

اندکی کمتر از ۹ قرن از مرگ این مرد بزرگوار می‌گذرد و در تمام این مدت طولانی در شمال شرق خراسان و نقاطی از افغانستان و حتی در پاره‌ای از مناطق هندوستان گروهی از اخلاف وی می‌زیسته‌اند. مقبره‌اش در طول قرون همواره مزار خلق بوده و بسیاری از پادشاهان در دوره‌های مختلف به زیارتش رفته و در بنای گنبد درگاهش از بذل مال و کوشش فروگذار نکرده‌اند.

آرامگاه :

در دوره‌های پیش از اسلام استپ‌نشینان و مردمان آسیای میانه و شرقی مراسمی پیچیده تدفین را اجرا می‌کردند که بعضی از آن‌ها تا به امروز ادامه یافته است. متون ادبی بر دو مرحله از سوگواری تصریح دارند، قراردادن جسد در یک چادر تدفینی همراه با دسته‌های عزادار اطراف آن (با طوایف مسلمین مقایسه شود) که با دفن آن در یک تپه تدفینی (کرگان) دنبال می‌شود. برجهای آرامگاهی که مشتمل بر سردابه‌های تدفینی در برگیرنده جسد و اطاقی خالی روی آن است، به عنوان یک ترکیب معمارانه از این روش‌های تدفینی تعبیر می‌شود.

حتی تزئینات چادرهای صحرائنشینان به طور حیرت‌آوری شباهت‌های نزدیکی با تزئینات برخی از مقابر ایران دارند. نمای خارجی این برجها نیز شباهت معمارانه با چادرهای عالی سلطنتی توصیف شده از سوی مسافران غربی مانند کارپینی^۱ و روبروکیس^۲ دارند. از این رو دست کم این احتمال وجود دارد که شکل‌های چنین چادرهایی تأثیری روی مقابر اولیه ایران داشته است. (هیلن براند، ۱۳۸۰، صص ۲۷۴-۲۷۳)

۱-Carpini, Giovanni ۲-Robero Kiss



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

ساخت آرامگاه در جهان اسلام پدیده ای که با تاخیر بیشتری نسبت به دیگر بناهای اسلامی آغاز شد. علت این تاخیر نیز قطعاً به دلیل سفارش و تاکید پیامبر اکرم(ص) مبنی بر عدم ساخت هرگونه یادبود بر روی قبور و سفارش ویژه بر تسویه القبور بود، زیرا قرآن اظهار نظری در رابطه با ساخت آرامگاه نکرد.

در زمینه ساخت بنا بر روی قبور، مسلمین احادیث فراوانی را مبنی بر کراهت ساخت مقابر از بزرگان و اولیای خویش نقل می کنند. برای مثال از عایشه(رض) روایت است که پیامبر در اواخر عمر خود فرمود: خداوند یهود و نصارا را لعنت کند که قبور پیامبران خویش را مسجد گرفتند. در حدیث مشهور دیگری از حضرت علی(ع) آمده است: رسول خدا(ص) مرا به مدینه فرستاد و فرمود: هرکس را دیدی نابود کن و هر قبری را دیدی هموارش کن و هر سگی را دیدی بکش.

همچنین عبدالرحمن جزیری می گوید: کراهت دارد بر روی قبور، قبه یا بنا ساخته شود. البته در این میان شخصیت های علمی و یا صالحین از این قاعده مستثنی بود و نوشتن نام آنها بر روی قبور و یا چیزی که موجب شناخت آنها شود را امری پسندیده دانسته اند. (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۳)

قرآن کریم و تعالیم پیامبر گرامی اسلام، مهمترین منبع الهام بخش مسلمانان در طول تاریخ بوده است و از این رو تمام اقدامات مسلمین در راستای توجه به این دو مقوله بوده است. بزرگداشت شعایر الهی که در صور مختلف قرآن بدان تاکید شد در کنار منع شدید ساختمان سازی بر روی قبور مهمترین عناصر الهام بخش برای ایجاد این مقابر بوده و تمام عناصر بکار رفته بر روی این قبور بر اساس توجه به آنها شکل گرفته که دارای معانی خاص هستند و همگی به جایگاه والای شخص متوفی اشاره می کنند. (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۳)

نخستین نسل مسلمانان رویه خود را از شخص حضرت محمد(ص) گرفت و به طور جد با هرگونه تظاهر و جلوه گری مرتبط با عزاداری، مرگ و تدفین مخالفت می ورزیدند. احادیث متعددی موبد این مخالفت است، هرچند باید پذیرفت که قرآن عملاً در این مورد ساکت است. شیون سردادن، جامه برتن دریدن، خاکستر، خاک بر سر افشاندن و از این قبیل مراسم به صراحت محکوم شده اند.

مراسم تشییع نیز توصیه نشده است، در عوض جسد باید به طور سریع به خاک سپرده می شد. قبر باید با زمین یکسان گردد و ساختمانی برای مشخص کردنش برپا نشود. یکسان کردن قبور با سطح زمین (تسویه القبور) نشان از برابری همه مومنین در موت و حیات دارد و با عادت اسلامی کهن هماهنگ است. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۳)

از سوی دیگر، تفاسیر مختلفی از آیات قرآن مبنی بر ساخت آرامگاهها بوجود آمد و بر این اساس شیعیان ساخت آرامگاهها را بزرگداشت شعایر الهی قلمداد کرده و بر آن تاکید نمودند. همچنین در این مورد استناد کردند که رسول خدا نیز در زمان خود فرمان نداده و آنها را مورد احترام قرار می داده است.

مقبره سازی در جهان اسلام از سده دوم هجری به تدریج متداول شد و مورد قبول عامه مردم قرار گرفت و واژگان متفاوتی نظیر مزار به معنای محل زیارت، روضه به معنای باغ یا بهشت و یا قبر به معنای گور و ساختمانش، برای نامیدن این بناها بکار گرفته شد. (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۴)

احادیث روایت شده از حضرت محمد(ص) حکایت از آن دارد که ایشان با توجه خاص مردم را از هر اقدامی برای متمایز ساختن قبرش از پیش برحذر می داشت، در آغاز به این خواسته حرمت گذاشتند و پیکر وی را زیر کف یکی از اتاق های خانه اش به خاک سپردند و بدین ترتیب بود که اتفاقاً رسم تدفین در مساجد متداول شد. به هر حال هنوز کمتر از یک نسل طول نکشیده بود که محل دفن او را با ساختمانی مشخص معین کردند و حدود هفتاد سال پس از درگذشت وی، قبر او مجدداً آرایش یافت و موقعیت احترام آمیزی در مسجد معظم پیامبر(ص) که توسط ولید اول خلیفه اموی برپا شده بود پیدا کرد.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

در دو سده اول صدر اسلام، شاید در پیروی از نحوه به خاک سپرده شدن خلفا، به جز افراد معدودی، همه مسلمین در قبور ساده به خاک سپرده شدند. تا آن حد، می توان گفت دشمنی قاطع نگرش سنتی با معماری خاص آرامگاهها تفاوت داشت. در اواخر قرن نهم برخی از خلفای عباسی هنوز در خانه‌های خود دفن می شدند ولی محققاً تخطی‌های مختصری از راه و رسم تدفین ساده سنتی به وقوع می پیوست. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۳)

تا اینکه نخستین نشانه‌های ساخت آرامگاهها با نصب سنگ قبری محرابی شکل بر روی قبور نمایان شد و به دنبال آن نخستین قبور بر سر تربت یاران نامی پیامبر(ص) و جهادگران مسلمان برپا شد، زیر آنان دارای چهره‌های مذهبی بودند و با این کار مقبره‌سازی نیز می توانست رنگ و بوی مذهبی به خود بگیرد.

همچنین مسلمانان در این امر قبر پیامبر را نیز مد نظر قرار می دادند، زیرا که جسد مطهر پیامبرگرمی اسلام پس از ارتحال در یکی از اتاق‌های خانه - مسجد ایشان دفن شد و این تفسیر را به اذهان متبادر ساخت که مکان تدفین می تواند درون مساجد باشد. تفسیر دیگر آن بود که در هر جایی می توان نماز خواند پس می توان در هر جایی مسجد بر پا کرد حتی اگر در آنجا قبری باشد. (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۴)

برای کسی که از جهان اسلامی بازدید می کند و جود این همه آرامگاه در هر یک از شهرها و روستاها تکان دهنده است. نقش این آرامگاهها در محیط معمارانه به طور قیاس ناپذیری بسیار مهمتر از هر کشور غربی است. در واقع این وجه تمایز و مغایرت می تواند ناشی از عدم تمایل شایع اسلامی به مجسمه‌سازی باشد. ولی گفتن این که مسلمین مقبره برپا می کنند چون نمی خواهند مجسمه بسازند غفلت از نکته اصلی است.

نوعاً آرامگاههای اسلامی ابعاد مذهبی و اجتماعی دارند که لزوماً مجسمه از داشتن چنین ابعادی محروم است و همین ابعاد است که توجیه‌گر تداوم اقبال عامه مردم به آرامگاهها در جهان اسلامی است. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۶۴)

به طور کلی آرامگاه به بنایی گفته می شود که یک یا چند شخصیت مذهبی یا سیاسی در آن دفن شده باشد و شامل مقبره‌های مذهبی (زیارتی) و مقبره‌های غیرمذهبی می باشد. مقبره‌های مذهبی در بیشتر شهرها و روستاها به امامزاده معروف شده‌اند و در مقایسه با سایر بناهای اسلامی (به جز مساجد) از اعتبار ویژه‌ای برخوردارند. امامزاده‌ها بیش از دیگر بناهای دوره اسلامی مورد احترام و علاقه مسلمانان به ویژه شیعیان هستند. بناهای فوق در طول زمان توسعه یافته و از یک آرامگاه معمولی به مجموعه‌های بسیار باشکوهی تبدیل شده اند.

تنها در ایران دوره اسلامی است که ایجاد مقبره و زیارتگاهها از چنین سابقه‌ی طولانی و ویژگی معماری منحصر به فرد و تزئینات باشکوه برخوردار است. این گونه بناها به نام‌های برج، گنبد، بقعه و مزار نیز معروف شده اند. (کیانی، ۱۳۷۴، ص. ۱۰)

شأن والایی که مقبره از همراهی با آن بنیادهای وابسته به دست آورد بر این امر دلالت داشت که عملکرد آن صرفاً به مکانی برای تدفین یا یادبود محدود نمی شد. مقبره در جامعه اسلامی سده‌های میانه و اغلب در سطح مذهب توده مردم یا عوام الناس منزلتی بسیار والا یافت. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۸)

آرامگاه در ایران :

در ایران دوره اسلامی نخستین آرامگاهها در قرن چهارم هجری با ساخت آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا آغاز شد و از آن پس با سرعت قابل توجهی در تمام ایران توسعه یافت و نقش مهمی در فضای اجتماعی شهرها و روستاها پیدا نمود. به نحوی که پس از مساجد جامع مهم‌ترین رکن هر شهر و روستا به حساب می آمد. (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱، صص. ۶۵-۶۴)



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

این گونه بناها در مقایسه با شواهد پابرجا نظیر مساجد، کاخ ها، حمامها، خانات، آب انبارها و دیگر انواع بناهای اسلامی، در واقع شروعی دیر هنگام دارد. با وجود این از نمونه‌های غنی معماری که از قبل برجا مانده، ظاهراً می‌توان به درستی نتیجه گرفت که فقدان مقابر هم عصر مسأله‌ای اتفاقی نیست، بلکه کمبود نسبی آن‌ها را در برابر سایر انواع بناها نشان می‌دهد. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۴)

معماری اسلامی یکی از جلوه‌های زیبای تمدن اسلامی است که از افکار، عقاید و ارزشهای مسلمانان حکایت دارد. بررسی گزارش‌های خاورشناسان درباره معماری اسلامی در خراسان بزرگ، به خوبی می‌تواند وضعیت این آثار را در قرن ۱۹ میلادی هویدا سازد. (بارانی و عالمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۵)

از آن جا که مراحل آغازین معماری ایران در دوره اسلامی به میراث ایران از دوره پیش از اسلام وابسته است، شایسته تاکید است که هیچ سنت قابل ذکری از بناهای تدفینی آزاد در دوره‌های پیش از اسلام وجود ندارد. آرامگاه کوروش در پاسارگاد نوعی استثنا است که ثابت کند قاعده‌ای وجود دارد. شاهان بعدی هخامنشی در حفره‌های کنده شده در دل صخره‌ها قرار داده شدند. به نظر می‌رسد که این قبور صخره‌ای تا زمانی پس از سقوط این دودمان ادامه داشته است. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۲)

روند شکل‌گیری و رشد معماری مسکونی و حتی مذهبی اعراب پیش از اسلام، هرچه که نخواهد باشد، مقابر در میان ساختمان‌های آن دوره نقش مهمی را ایفا نکرده است، پس در صورتی که نتوان بر آن هیچ نوع سنت بومی تعیین کرد، واقعاً ریشه‌های فکر ساخت این نوع خاص بنا چه بوده است؟ نفوذ ایران باید کنار گذاشته شود، چون دین زرتشت دوره ساسانی مقرر می‌داشت که اجساد باید به خورد لاشخوران داده شود، به خاک سپردن یک جسد به مفهوم نادیده گرفتن قوانین این دین بود. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۵-۲۵۴)

ویژگی برجسته معماری اسلامی آن است که هنر دینی در آن به برترین نحو نمودار گشته و معرف عقاید و جهان بینی برخاسته از دین و مذهب طراحان خویش است. (بارانی و عالمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۶)

لذا روش‌های تدفین در ایران نمی‌تواند جدا از بقیه جهان اسلامی مورد مطالعه قرار گیرد، مراجع ادبی محقق می‌سازند که مقابر از سده‌ی دوم هجری به این سو به طور وسیعی در سراسر (دارالاسلام) ساخته می‌شدند. از این رو کاملاً محتمل است که مسلمانان ایرانی این فکر را از هم‌کیشان خود در مصر و سوریه یا عراق اخذ کرده باشند و نقض تدریجی مقررات سنت نبوی در امور مربوط به تدفین به تدریج در ایران انعکاس یافته باشد.

به طور مشابه، نقش مقابر کلاسیک متاخر روزگار باستان و آغاز مسیحی و مارتیریوم بیزانسی نیز به عنوان پس زمینه دوره معماری تدفینی در ایران باید به یکسان به حساب آید. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۳)

آرامگاهها بعد از مسجد، متداول‌ترین نوع بنای عمومی در معماری اسلامی ایران است. این نوع بنا در بافت و فرهنگ جامعه‌ی ایرانی ریشه گرفته است. روند شکل‌گیری آرامگاهها در طول دوران اسلامی یکنواخت نبوده اما به صورت منسجم ردپای این نوع کالبد را از دوران سلجوقی به بعد یافت می‌شود، مانند مقبره سلطان سنجر (حدود سال ۸۳۱ ه.ق) در شهر مرو. (یعقوبلو و نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۸، ص. ۵)

اساس مقابر از اول به دو صورت مختلف انجام می‌گیرد: مقبره به شکل برج و مقبره به شکل قبه هر دو آن‌ها در شرق ایران، در خراسان تکمیل می‌شود و به عنوان مقابر امراء ایرانی یا ترکی و یا فرمانداران بنا می‌گردد. مقابری که به شکل برج ساخته شده‌اند، ظاهراً با بناهایی از این گونه مربوط می‌شوند که در دوران قبل از اسلام وجود داشته و در نتیجه عوامل خاصی، دوران عباسیان را پشت سر گذاشته و به صورت ابنیه خشتی عظیم در آمده است. هنوز معلوم نیست که آیا شکل مدور و یا چند پهلوئی آن دارای قدمت بیشتری است. برج‌های مدور با سقف مخروطی در ایران محبوبیت خاصی داشته است، در حقیقت هم نوع صاف آن و هم نوع پهلودار آن با ستون‌های مدور و قبه‌های داخلی که به بنا شکل خیمه مجلی را



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

می‌دهد، ساخته می‌شده است. این امر کاملاً بدیهی است که امراء ترک بیشتر در این فکر بودند که مقابر خویش را به شکل خیمه که تمام عمر در آن می‌زیستند در آورند. (کونل، ۱۳۶۸، ص. ۷۴)

هاله‌ای از ابهام و عدم قطعیت پیرامون خاستگاه، این نوع بنا را در بر گرفته است. هر چند احتمالات زیادی ممکن است مورد بررسی قرار گیرد که از آن میان چادرهای ترکی، معابد صابین، برجهای نگهبانی چینی و برج آرامگاههای تدمری قابل ذکر است. به نظر می‌رسد که این جریان به طور اخص به خاطر سادگی فوق‌العادی است که توسط نمونه‌های نخستین از این نوع ساختمان توجیه شده است، استوانه‌ای رفیع با بامی گنبدی یا مخروطی شکل.

به نظر می‌رسد مربع گنبددار، دو ریشه داشته باشد، هر چند یک تحقیق فشرده می‌تواند ثابت کند که این هر دو از یک منبع سرچشمه گرفته‌اند. یکی از عناصر تاثیرگذار می‌تواند گونه متداول آتشکده ساسانی یا چهار طاقی باشد که پلان مربع هم کف آن با چهار بازشدگی در دو محور متقاطع، که روی آن را گنبدی می‌پوشاند. پراکندگی گسترده این‌گونه بناها در سراسر ایران در زمان فتوحات اسلامی این نوع معماری را برای مقابر اسلامی از پلانی مشابه در ایران سرمشق واضح‌تری می‌سازد. (هیلن براند، ۱۳۸۰، صص. ۲۸۱-۲۸۰)

مقبره چهار گوش آسمان گون با نوع متداول برجی شکل رقابت می‌کرد و این هر دو نوع، غالباً با گنبدهای خارجی هرمی یا مخروطی پوشیده می‌شد. برجهای آرامگاهی معمولاً مدور یا چند ضلعی بود. اشکال نادرتر را شش ضلعی و دوازده وجهی تشکیل می‌داد. گهگاهی یک پیش طاق پیش آمده، ورودی آرامگاه را نمایان تر می‌ساخت. شماری از زیارتگاهها از دو گنبد خانه تشکیل یافته که بر روی محوری مرتب گشته است. اطاق اولی زیاتخانه و کفش کن و اطاق دومی مقبره است.

در نیمه آخر قرن ترکیب صلیب دو مربع با ورودیهای چندگانه مرسوم شد. بر خلاف آرامگاههای سرپوشیده، زیارتگاههایی که حظیره نامیده می‌شوند و شامل یک محوطه تدفینی هستند، نشانگر نوعی معماری خاص هستند. (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۲)

تاثیرات اعمال شده از سوی جریان غیراسلامی در توسعه معماری مقابر در ایران اسلامی، نشانگر آمادگی معماران اسلامی در این میدان و یا میدان‌های دیگر برای قرار دادن شکل‌های قدیمی در مصارف جدید است. غالباً این شکل‌های قدیمی برخی از مفاهیم را به همراه خود در عملکردهای جدیدی می‌آوردند و در نتیجه عملکرد جدیدشان را غنا می‌بخشیدند.

غالباً همان بیان کتیبه یا یک متن این برداشت را تقویت می‌کند که یک مقبره غیر از مصارف تدفینی مصارف دیگری نیز داشته است. نمونه‌های بارز آن عبارتند از، رباطها، زاویه‌ها، مدارس تدفینی و حتی مساجد تدفینی مانند تربت جام.

این موارد نشان می‌دهد که چگونه معماری تدفینی بخشی از تار و پود جامعه ایرانی در سده‌های میانی بود. چنین بنیادهای مشترک - یا حتی چند منظوره - مقبره را کلا در مدار جامعه قرار دارد و گسترش کارکردهای آن را فراتر از عملکرد تدفین صرف، طبیعی جلوه داد. البته این امر مانع از آن نمی‌شد که مقبره غیرمذهبی از ابتدا نمادی برای معرفی معلوم گردد. (هیلن براند، ۱۳۸۰، صص. ۲۷۶)

آرامگاه شیخ احمد جام :

خراسان همواره به عنوان یکی از مناطق تاثیرگذار در دنیای اسلام نقش بسزایی در توسعه و تعامل معماری اسلامی به ویژه معماری مقابر داشته است. به نظر می‌رسد در دوره سلجوقی همزمان با حضور شیخ الاسلام احمد جامی در منطقه جام،



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

نوعی خاصی از معماری تدفینی در قالب مقابر روباز با ایوانی درمقابل مورد توجه قرار گرفته و این سنت تا دوره صفویه ادامه یافته است. تفکر ساخت این مقابر را می‌توان در توجه به قرآن درباره بزرگداشت شعایر الهی و همچنین آموزه‌های پیامبر(ص) در مورد منع هرگونه ساخت و ساز بر روی قبور توجیه نمود.

ساخت این‌گونه مقابر در این منطقه از کشور بسیار رایج بوده و از مهمترین آن‌ها می‌توان به مزار شیخ احمد جامی، مزار شهاب‌الدین عبدالله باخرزی، مزار ابوبکر زین‌الدین تایب‌الدین، آرامگاه خواجه عبدالرحمن جامی و مزار خواجه عبدالله انصاری اشاره کرد. (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱)

مجموعه بناهای باشکوه تربت‌جام در جاده مشهد - هرات واقع شده است. این مجموعه شامل چندین بنای مجزاست که هریک از نظر معماری و تزئینات اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. مانند بسیاری از مجموعه‌ها، این محل نیز به تبع دفن شیخ احمد جام، یکی از عرفای قرن پنجم هجری، ایجاد گردیده و در طول زمان، در فاصله قرن ششم تا یازدهم هجری، با ایجاد بناهای دیگر که وابسته به مزار شیخ بوده، به صورت یکی از اماکن معروف و زیارتی ناحیه شرق ایران در آمده است. مهم‌ترین بناهای مجموعه عبارتند از: ایوان، سردر ورودی، مدرسه فیروزشاه، مسجد کرمانی، مسجد قدیم یا مسجد جامع، گنبد سبز، مزار شیخ‌الاسلام^۱، مسجد نو، آب انبار و بناهای تاریخی دیگر که همه آن‌ها در حیاط بزرگ مستطیل شکلی واقع شده‌اند. (کیانی، ۱۳۷۴، ص. ۱۸۲)

بناهای مجموعه معماری مزار شیخ احمدجام در جبهه شرقی شهر تربت جام قرار گرفته و حاوی اطلاعات ارزشمند در زمینه شناخت، تحولات، نحوه معماری و هنر دوره اسلامی در شرق خراسان است و بسیاری از نویسندگان اعتقاد دارند که مزار شیخ احمد جام به عنوان یکی از بناهای عظیم تاریخی- مذهبی و آرامگاهی در ایران مطرح می‌باشد. این مجموعه مشتمل برده فضای معماری برگرد یک صحن وسیع مرکزی است.

آلفونس گابریل^۲ این مجموعه و آرامگاه شیخ جام را دارای کاربری خاص می‌داند. مقبره‌ی او با مسجد، مدرسه علمیه، خانقاه، حجره‌ها و گنبدش تمام خصایص یک بنای مذهبی را از نظر معماری دارا بوده است. (صابری فر، ۱۳۸۴، صص. ۸۴-۸۳) تاریخ شکل‌گیری(تربت جام) امروزی که روستای معدآباد هسته اولیه آن بود، به حدود قرن پنجم ه.ق باز می‌گردد. با این تغییرات، شهر بوزجان در ولایت جام که تا قبل از این، از شهرهای مهم قرن اولیه اسلامی بود، از رونق افتاد و تربت‌جام به عنوان دارالحکومه، مرکزیت خود را به دست آورد. فرایند توسعه کالبدی- فضایی مجموعه شیخ جام و به تبع آن تربت جام، از دوره ملوک کرت فراهم گردید و به تدریج شهری مهم از درون روستایی کوچک، متولد شد و به ویژه از دوره ایلخانی تا اواخر تیموری، در پرتو نقش مذهبی و سیاسی خود، در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، ارتباطی و فرهنگی با شتاب رو به توسعه نهاد. (زارعی و لاله، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۳)

آن چه در مورد تاریخ احداث بنای شهر تربت جام می‌توان عنوان داشت، آن که این شهر به شکل امروزی و با نام جام، شکل‌گیری و ساخت خود را مرهون وجود عارف، اندیشمند و شاعر برجسته، شیخ احمد جام قدس... نفس الزکیه می‌داند. (صابری فر، ۱۳۸۴، ص. ۲۵)

۱- شیخ‌الاسلام لقبی است که در نیمه دوم قرن چهارم هجری به علما و شیوخ متصوفه اطلاق می‌شده است.

۲- جغرافیدان، سفرنامه نویس و مکتشف جغرافیایی، ۳ بار به ایران سفر کرد و در کویرهای ایران به پژوهش و اکتشاف پرداخت. وی ۵ کتاب در خصوص کویرهای ایران تالیف کرد.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

شیخ احمد جامی نامقی از بازماندگان قومی عرب بودند که از یمن به سوی ایران هجرت نموده و در خراسان سکنی گزیدند. او در سال ۴۴۰ هجری در روستای ترشیز (کاشمر کنونی) دیده به جهان گشود و در سن ۲۲ سالگی به عرفان و تصوف روی آورد و پس از مسافرت‌های طولانی در سن ۴۰ سالگی در قریه معدآباد (هسته قدیم جام) سکنی گزید و خانقاه و مسجدی در آن جا برپا نمود. (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۵)

در اواخر نیمه دوم قرن پنجم هجری قمری که آوازه شیخ عالم‌گیر شد، مردمان و شخصیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی متعددی برای زیارت شیخ به این مکان وارد شدند، به طوری که روستای کوچک معدآباد گنجایش استقرار و سکونت این خیل عظیم جمعیت را نداشت و شیخ مجبور شد خانقاه و عبادتگاههای خود را اندکی دورتر از روستای مورد نظر در حوالی شمال غربی آن، محل کنونی مقبره و آرامگاه دائمی بنا نماید.

از آن تاریخ به بعد هسته اصلی تجمع نه روستای معدآباد که خانقاه شیخ و اراضی پیرامون آن بود. به مرور زمان بناها و تسهیلات متعددی بر آن افزوده شد و آن هنگام که شکل و شمایل یک هسته جمعیتی عظیمی به خود گرفت، از آن به عنوان جام یاد کردند. چرا که محدوده بزرگتر که شهر در آن جای گرفته بود، چون جامی بلورین در بین رشته کوههای اطراف استقرار یافته بود.

به هر حال جام چون نگین در برگرفته شده توسط کوههای اطراف، پس از فوت شیخ، به خاطر عزت و احترامی که در بین ساکنینش داشت و در واقع ساکنین شهر استقرار خود را وابسته به وجود شیخ می‌دانستند، شهر را تربت شیخ احمد جام نام نهادند و بعدها این نام به صورت مختصر تربت جام خوانده شد. (صابری فر، ۱۳۸۴، صص. ۲۶-۲۵)

شیخ الاسلام در سال ۵۳۶ هجری در سن ۹۶ سالگی دارفانی را وداع گفت و طبق وصیت خودش، پیکر وی را در کنار خانقاهش بر دروازه معدآباد به خاک سپردند.

در متون تاریخی تصوف آمده است که معمولاً شیخ و پیر هر خانقاه در خانقاه خود دفن شده‌است و بنایی بر روی آن ساخته می‌شده که جنبه‌های زیارتی _ عبادی داشته است. (یعقوبلو و نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۸، ص. ۵)

در باره مشخصات معماری مقبره شیخ جام می توان گفت که این مقبره در مقابل ایوان و خانقاه شیخ برپا شده‌است. پیرامون قبر شیخ با ردیفی از سنگ‌های مرمر سیاه احاطه کرده و در قسمت بالای قبر، سنگ محجر سفید و بلندی قرار گرفته و در پشت آن حوض آب کوچکی از سنگ سیاه ایجاد شده‌است و در انتهای قبر نیز با ارتفاع کمتر نسبت به سنگ اول قد برافراشته است. در قسمت میانی قبر و مستقیماً بر روی آن، درخت پسته کهنسالی وجود دارد.

تاریخ احداث خانقاه بر اساس کتیبه‌هایی که در خانقاه وجود دارد به ۶۳۳ هجری باز می‌گردد و توسط شاهان آل کرت ساخته شده‌است اما با توجه به گفته‌های منابع تاریخی همچون مقامات ژنده پیل ساخت خانقاه و مسجد توسط شیخ جام، باید اظهار نمود که ساختمان اولیه خانقاه در زمان حیات وی برپا شده و در دوران بعدی بازپیرایی و تزیین شده است. (موسوی حاجی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۶۶)

آرامگاه شیخ احمد جام نزدیک به ایوان مرتفع مزار در فضای باز به صورت باشکوهی قرار دارد. محل آرامگاه با مصالح آجر و گچ به شیوه‌ای خاص از سطح محوطه بالا آمده‌ی مزار دارای دو سنگ به صورت افراشته است که اولی لوح اصلی است که بالای سر قرار گرفته و تزئیناتی همچون گل، برگ و آرایه‌های گیاهی دارد و دومی در پائین مزار است که در طرفین آراسته به کتیبه است و درخت کهنسالی به صورت خودرو با شاخه‌های فراوانش در میان قبر روییده است.

۱- لقب ژنده پیل گویا مناسب با اندام کشیده و زورمند و موافق با رفتار تند و خشم آلود وی بود و ناچار باید در زمان زندگانی شیخ توسط کسانی که وی را میدیده و می‌شناخته اند وصف شده باشد. این لقب نخستین بار در دو کتاب احمد... مستوفی و اشعار شاه قاسم انوار ذکر شده است.

نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی



با اینکه ریشه‌های درخت در حال تخریب گور هستند اما نوادگان شیخ می‌گویند از احمد جامی روایتی دارند که هیچ‌گاه این درخت را قطع نکنند.

درباره این درخت پسته که بومی تربت جام است اعتقاد بر این است که بر سر مقابر و مزارهای آزادگان مسلمان ایرانی و اکابر امی روید و زائرین تربت شیخ، اعتقاد خاصی به آن دارند. (حیدرتاج و صنعتی، ۱۳۹۸، صص. ۱۰-۹)

جام در مراحل مختلف تاریخی به دلایل متفاوت مورد توجه و امعان نظر پادشاهان و سلاطین حاکم بر ایران و افغانستان و هندوستان قرار گرفته است و در مواردی نیز از خشم و غضب آن‌ها بی‌بهره نبوده است. به همین دلیل و با توجه به دوره‌های فرج و شدت، طوایف و قبایل متعددی به این سرزمین روی آورده‌اند. اما آن چه که هیچ‌گاه نفوذ و تسلط خود را در این سرزمین و بخصوص پس از حضور و استقرار شیخ احمد جام در آن از دست نداد، اعقاب و انساب این شخصیت دینی و علمی می‌باشد. (صابری فر، ۱۳۸۴، ص. ۳۴)

در سده‌های ۴ الی ۱۰ هجری قمری ایران، یکی از جریان‌های قدرتمند و موثر در فرهنگ و اجتماع و همچنین هنر، جریان تصوف بوده است. این زمان نیمی از تاریخ ایران اسلامی را در طول ۱۴ قرن تشکیل می‌دهد اما امروزه در مطالعات هنر و معماری مغفول مانده است.

این جریان تصوف بوده که در شهرها و روستاها به وسیله تعلیمات شیوخ خانقاه‌ها، تفکر عرفانی و صوفی در تاروپود جامعه در سده‌های مختلف رسوخ کرده و به تبع آن توسط صنعت‌گران این مباحث وارد هنر و معماری شده است. (یعقوبلو و نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۸، ص. ۲)

در این دوران آرامگاه‌هایی در شرق خراسان بوجود آمده است که نه بر روی قبر بلکه به واسطه ساختن بناهایی در اطراف آن سعی در بزرگداشت مقام فرد متوفی داشته‌اند. در واقع اینگونه مقابر بناهایی روبازی هستند که در مقابل خانقاه و یا عبادتگاه صوفی برپا شده و با تزئیناتی بسیار ظریف و هوشمندانه آراسته شده‌اند. ساخت این گونه مقابر از یک سو ریشه در آموزه‌های قرآن در مورد بزرگداشت شعایر الهی و از سوی دیگر ریشه در عقاید اولیه اسلامی و آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) در مورد نحوه تدفین، خاکسپاری و مقبره‌سازی داشته است. (موسوی حاجی، ۱۳۹۱، ص. ۶۵)

ظهور این گونه هم‌گرایی تشیع و تصوف را که در عین حال با تعالیم قرآنی و احادیث نبوی همسویی و آمیختگی دارد، می‌توان ناشی از سقوط خلافت عباسی و ضعیف شدن قدرت حکومتی و سلطه اهل تسنن و در نتیجه آزادی مردم در انتخاب مذهب و مسلک دلخواه خود دانست. از سوی دیگر سلاطین ایلخانی مغول در آذربایجان در سده‌های هفتم و هشتم هجری سهمی به سزا در ترویج عرفان و تصوف و تکریم ارباب و مشایخ صوفیه داشته‌اند.

همین توجه به تصوف و تشیع در شیوه معماری بناهای حکومتی و ارگ‌های سلطنتی و نیز اماکن مذهبی و معنوی از قبیل مساجد و به ویژه خانقاه‌ها به عنوان مراکز تصوف تاثیر خود را نشان داده است. (یعقوبلو و نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۸، ص. ۳)

در مواردی خانقاه کوچکی بنا می‌شد و پس از مرگ شیخ آن خانقاه به مقبره وی بدل می‌شد. همچون آرامگاه و خانقاه شیخ شهاب‌الدین اهری؛ بعدها به آرامگاه مجموعه‌ای آرامگاهی و خانقاهی گسترش پیدا می‌کرد. همچون مجموعه آرامگاهی-خانقاهی شیخ صفی‌الدین اردبیلی.

از بارزترین عرصه‌های ظهور رشد تصوف در معماری مربوط به گسترش دو دسته تک بناها و بناهای مجموعه‌ای است. تک بناها غالباً شامل خانقاه و آرامگاه‌ها می‌باشند. جریان فکری متصوفه از سده دوم آغاز شد و در سده‌های چهارم و پنجم تشکیلات خانقاهی به خود گرفت در قرن هفتم و با هجوم مغول‌ها، خانقاه‌ها پناهی برای آلام روحی و مادی مردم شدند و بعد از آن تصوف به اوج مقبولیت و نفوذ خود بین عامه و خواص دست یافت.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

مساجد و مقابر بیشترین و مهمترین حجم بناهای بازمانده از معماری اسلامی در ایران را به خود اختصاص می‌داده‌اند. مقابر مشایخ و بزرگان صوفیه، گونه‌ای از معماری دوران اسلامی است که معمولاً به وسیله مریدان در داخل خود خانقاه شیخ و با خصوصیات ویژه خود ساخته می‌شده‌اند. لازم به یادآوری است که اکثریت فرقه‌های متصوفه در دوره ایلخانی، تیموری و ترکمانان بر جریان‌های تاریخی و فرهنگی و از جمله معماری اسلامی تأثیر چشم‌گیری داشته است. از مهم‌ترین ویژگی‌های تصوف این دوره ظهور علائق شیعی در مشایخ صوفیه و رواج سلسله‌های صوفیه شیعی و اقتدار و نفوذ علما و عرفای شیعی مذهب است. (یعقوبلو و نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۸، ص. ۳)

خانقاه و مقبره شیخ الاسلام احمد جامی در قرن هشتم و ملحقات آن در قرن نهم و یازدهم هجری ساخته شده است. (زنگنه، ۱۳۸۴، ص. ۶۹)

تحولات معماری بنای شیخ احمد جام :

با روی کار آمدن سلجوقیان، علاوه بر مسجد، ساختن مقابر نیز در خاورمیانه به عنوان مهم‌ترین بنای مذهبی، اهمیت پیدا می‌کند. (کونل، ۱۳۶۸، ص. ۷۳)

متأسفانه هیچ‌گونه شواهدی از آثار معماری مربوط به دوره سلجوقی در مجموعه شیخ جام و شهر امروزی تربت جام به چشم نمی‌خورد. قدمت گنبد خانه و مسجد عتیق از کهن‌ترین بخش‌های مجموعه شیخ مربوط به عصر بعد از آن، یعنی دوره ایلخانان مغول، به ویژه حاکمان تحت فرمان آن‌ها، یعنی آل کرت می‌باشد. (زارعی و لاله، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۰)

گویا این بنا در گذشته مسجد جامع بوده است، به طور کلی فضای معماری مسجد عتیق با ابعاد تقریبی ۴۸۴ متر مربع شامل شبستان جرزه‌های آجری است. با توجه به اشاره‌ای که دونالد، ویلبر^۱ به وجود تویزه‌ها بر روی ستون‌های غربی دارد گویا در مرکز بنا گنبدی برپا بوده است. یکی از باشکوه‌ترین فضاهای معماری مجموعه مزار شیخ جام پس از گنبد خانه، بنایی است موسوم به مسجد کرمانی که نام خود را از سازنده محراب^۲ واقع در فضای داخلی آن اقتباس کرده است.

حمله مغول به خراسان، نقطه عطفی در حیات سیاسی و فرهنگی شهرهای آن محسوب می‌شود. بسیاری از شهرها، در نتیجه تهاجم سپاه مغول، مورد تخریب و ساکنان آن مورد قتل و غارت فراوان واقع شد.

جایگاه معنوی مزار و خاندان شیخ باعث گردید تا طی مراحل اولیه هجوم مغولان آسیبی متوجه معد آباد نگردد و بنا به نوشته بوزجانی، بزرگان مغول به زیارت و سیانت از آن پرداختند. این روند چندان ادامه نیافت و احتمالاً در دومین یورش مغولان به شهرهای خراسان به فرماندهی توجی پسر چنگیز لشکر مغول حصار معد آباد را گرفتند و غارت نمودند. (زارعی و لاله، ۱۳۹۵، صص. ۱۸۱-۱۸۰)

با روی کار آمدن (منگوقاآن) مغول، ناحیه‌ی جام و مناطق همجوار آن به پاس خدماتی به ملک شمس‌الدین کرت (۶۴۳-۶۷۶ ه.ق) واگذار گردید. امرای این سلسله، از مریدان طریقه تصوف و به خصوص پیرو طریقت شیخ احمد جام بودند و به همین دلیل به آرامگاه شیخ و شهر تربت جام توجه خاص مبذول داشتند. ابنیه ممتاز بسیاری در این شهر تاسیس کردند که بعضی از آن‌ها هنوز هم وجود دارند و از شاهکارهای معماری ایرانی محسوب می‌شوند.

۱-Donald Newton Wilber پژوهشگر تاریخ معماری ایران و اسلامی و نیز جاسوس آمریکایی بود



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

اقدامات عمرانی صورت گرفته در جهت توسعه مجموعه در بناهای به جا مانده چون: گنبد خانه، مسجد عتیق، ایوان ورودی، مساجد گنبد سفید، کرمانی و خانقاه و مدرسه فریومدی، که همگی آن‌ها با نظارت مستقیم ملوک کرت و یا حمایت مالی آن‌ها ساخته شده، کاملاً نمودار است. (زارعی و لاله، ۱۳۹۵، صص. ۱۸۲-۱۸۱)

معماران ایلخانی با این که چیز زیادی بر افزودن به دستیافته‌های سلجوقی در خصوص برج - مقبره‌ها نداشتند، وضعیتشان در مورد مربع گنبد پوش و مشتقات آن متفاوت بود و تجربه غنی‌تری را ارائه دادند. مقبره الجاتیو در سلطانیه را می‌توان به عنوان واکنشی ایلخانی در رویارویی با مجموعه متوالی و بزرگی از مقابر سلجوقی مربع گنبد پوش تلقی کرد. در واقع، چنین به نظر می‌آید که مقبره کمابیش معاصر آن یعنی مقبره غازان (غازانیه) قصد داشته از تمام برج-مقبره‌های قبلی پیش افتد.

مقبره الجاتیو دفعتاً مسائلی را حل می‌کند که معماران قبلی مقابر مربع گنبد پوش اولیه را به ستوه آورده بود. صرف مقیاس این کار بزرگ بر اهمیت این اقدام می‌افزاید. (هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۹۰)

مجاورت و نزدیکی تربت جام به شهر هرات در عصر تیموری و توجه ویژه سلاطین، بزرگان و امیران آن دوره به خاندان جام و تکریم آن‌ها و همچنین فعالیت‌های عمرانی گسترده‌ای که توسط هیأت حاکم در مجموعه شیخ و پیرامون آن انجام گرفت، دلیل بر اهمیت شهر به لحاظ سیاسی و مذهبی بوده است. (زارعی و لاله، ۱۳۹۵، صص. ۱۸۹-۱۸۸)

در دوره تیموریان به دلیل مرکزیت یافتن شهر هرات، سایر شهرهای خراسان نیز رونق پیدا کرد. تیمور و فرزندانش نسبت به اولاد و احفاد شیخ احمد جام، با احترام رفتار می‌کردند. پادشاهان تیموری از پیروان تصوف و عرفان بودند و به شیخ جام ارادتی خاص داشتند و بارها به تربت جام و زیارت مزار شیخ جام رفتند. در این دوره بناهایی چون خانقاه‌های تیمور، مدرسه امیر شاه ملک^۲، مدرسه فیروز شاهی و مسجد نو بنا شد. فعالیت‌های عمرانی صورت گرفته در شهر و مجموعه شیخ بیانگر رونق و آبادانی تربت جام در این دوره می‌باشد. از متعلقات دیگر مزار مسجد گنبد سفید می‌باشد که در سال ۶۳۳ هجری ساخته شده و سپس در سال ۷۰۳ هجری توسط ملک غیاث الدین محمد کرت مرمت گردیده و همچنین مدرسه مجاور آن از بناهای شاهرخ تیموری است که در سال ۸۴۶ هجری قمری احداث گردیده است.

در زمان شاه عباس اول صفوی به سال ۱۰۳۲ کاشیکاری و تعمیراتی در مجموعه این بنا به عمل آمده است. یادگار نفیسی به تاریخ ۹۸۱ هجری قمری بر روی قطعه سنگ از همایون پادشاه هند در این بنا باقی مانده که بعداً به ضمیمه چهار جلد تفسیر کلام... مجید به موزه ایران باستان انتقال داده شده است. (زنگنه، ۱۳۸۴، صص. ۷۱-۷۰)

در این دوره به علت اینکه ایران از جانب شرق مورد حملات ازبکان قرار گرفت تربت جام شاهد نبردهای شاهان صفوی با ازبکان بود. در دوره قاجار نیز تاخت و تاز ترکمن‌ها به شرق ایران ادامه یافت و در نتیجه آن آسیب زیادی متوجه شهر تربت جام گردید. و از سویی دیگر برای سرکوب سرکشی حکام هرات، لشکریان متعددی از جانب دولت مرکزی از این منطقه عبور و شهر در مسیر عبور و مرور نیروهای نظامی قرار گرفت.

مقابر صفوی و مقابر پس از آن گونه‌ای از افول معماری تدفینی پس از دوره سده‌های میانه به شمار می‌آمدند. مقابر مذهبی به طور قطعی جای خود را به مقابر اولیا و مقدسین داد. این دوره شاهد زیارتگاه‌های بزرگ مذهبی در ایران است که سیمای قطعی‌شان را کم و بیش به شکل امروزی خود یافته‌اند. در واقع بازآرایی زیارتگاهها و گسترش آن‌ها سهم عمده صفویه و دوران‌های بعدی معماری تدفینی بود. ماهان و تربت جام تنها دو مثال از میان نمونه‌های فراوانند.

(هیلن براند، ۱۳۸۰، ص. ۲۹۴)

۱- فرزند زادگان، نوادگان

۲- در حال حاضر اثری از آن‌ها موجود نیست.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

امروزه مزار شیخ جام در انتهای حیاطی واقع شده که اطراف آن را ابنیه‌ای از قرن ۱۳ تا ۱۹ فرا گرفته است و از لحاظ طرح مزار از نوع حظیره است، یعنی قبر در محوطه‌ای محصور قرار گرفته شکل روباز به صورت آرامگاهی خاص. ساختمان‌های واقعی شامل مسجد و مدارس و خانقاه‌ها و آب انباری و احیاناً آرامگاه‌هایی برای افراد دیگر است. این زیارتگاه توسط سیاحان اروپائی قرن نوزدهم مورد بازدید و توصیف قرار گرفته لیکن تا سال ۱۹۳۸ نقشه نسبتاً کاملی از آن کشیده نشده است. (زارعی و لاله، ۱۳۹۵، ص. ۴۸۶)

نتیجه گیری:

در طی بررسی تحولات ساخت آرامگاه شیخ جام در طی قرون ۵ تا ۱۰ هجری، یعنی در طول زمانی که سلسله‌ها و گروه‌های مختلف در ایران حکمرانی کردند، توجه به نوعی از ساخت مقبره و آرامگاه معطوف می‌گردد. در این دوران که ایران شاهد حضور اسلام و تحت دستورات و آموزه‌های این دین قرار دارد، جایگاه عرفانی شیخ جام در منطقه خراسان از اهمیت بالایی برخوردار است. روشن است که آرامگاه و تربت شیخ بعد از فوت وی با توجه به جایگاه و منزلتی که در بین مردم داشت نیز حائز اهمیت است. آرامگاه با مجموعه بناهای وابسته به آن در طی قرون متمادی شاهد تغییر در ساختار و دگرگونی در جزئیات بوده است، اما آن چه در طی زمان‌ها ثابت و لایتغیر است نوعی شیوه نگرش خاص تحت تاثیر آموزه‌های دین، قرآن و توصیه‌های پیامبر اکرم (ص) بوده و از مکتب عرفان و تصوف شیخ احمد جامی نشأت گرفته است. مقبره شیخ جام از نوع مقابر روباز (حظیره) بوده و جدا از ویژگی‌های معماری خاص خود حلقه اتصال میان قرآن، آموزه‌های دین و عرفان و تصوف است.



نقش خراسان در شکوفایی معماری ایرانی اسلامی

فهرست منابع:

- بارانی، محمدرضا. عالمی، سیدمحمدرضا. (۱۳۹۳). معماری اسلامی خراسان بزرگ در سفرنامه‌های خاورشناسان قرن نوزدهم میلادی. ۲ (۳). صص ۱۰۵-۱۳۵.
- حیدرتاج، وحید. صنعتی، زهره. (۱۳۹۸، بهار). بازشناسی پلان باغ ایرانی در مجموعه شیخ احمد جام. مجله نظر، ۱۱ (۴۶): ۱۳-۶.
- زارعی، علی. لاله، هایده. (۱۳۹۵، بهار و تابستان). بررسی نقش و اهمیت مجموعه آرامگاهی شیخ احمد جامی در روند تحولات شهرسازی شهر تاریخی تربت جام (از دوره سلجوقی تا اواخر دوره پهلوی)، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۶ (۱۰)، ۱۹۲-۱۷۳.
- زنگنه، ابراهیم. (۱۳۸۴). سرزمین جام و رجال آن. تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- صابری فر، رستم. (۱۳۸۴). جغرافیای تاریخی تربت جام. همدان: انتشارات روشن.
- کونل، ارنست. (۱۳۶۸). هنر اسلامی (ترجمه: هوشنگ طاهری). تهران: انتشارات توس.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۴). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- موسوی حاجی، سید رسول. خدادوست، جواد. (۱۳۹۱). سبک مقبره‌سازی متصوفه در شرق خراسان: باخرز، تربت جام، تایباد و هرات. ۳ (۹). صص ۶۳-۷۰.
- ویلبر، دونالد. گلمبک، لیزا. (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران (ترجمه: کرامت ا... افسر. محمد یوسف کیانی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هیلن براند، روبرت. (۱۳۸۰). معماری اسلامی (شکل، کارکرد و معنی) (ترجمه: دکتر باقر آیت ا... زاده شیرازی). تهران: انتشارات روزنه.
- یعقوبلو، محمد. نژاد ابراهیمی، احد. (۱۳۹۸، پاییز) درآمدی بر تاثیر تصوف بر معماری ایران با رویکرد تاریخ فرهنگی، معماری شناسی، ۲ (۱۲): ۸-۱۱.